



MfJ

Medical Fighh Journal

2024; 15(45): e6



Jurisprudential analysis of nail planting in the light of the ruling on disable voluntary for ablution from the perspective of Islamic religions

Abdul Samad Aliabadi^{1*}, Samia Hosseini²

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Imamiyyah Law, Faculty of Jurisprudence and Law, University of Islamic Religions, Tehran, Iran.
2. 4th level student of family jurisprudence, Reihaneh Al-Nabi Seminary, Central Province, Arak, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Currently, nail planting has become a large and popular industry among communities; but there are many uncertainties regarding its ruling, which requires a comprehensive study from different aspects. The effect of nail planting on the conditions of purity, especially in the field of creating an obstacle for water to penetrate into the members of ablution, is among the important issues investigated. So the question of this research is that considering the fact that nail planting is an obstacle for purity, what ruling has been established for this act? In other words, what is the ruling on voluntary disable for ablution? This article aims to answer the above question. One of the disputed issues in the jurisprudence of different religions is to voluntary disable for ablution, which induction and evaluation of the pros and cons' reasons can provide the basis for understanding the ruling on nails planting.

Materials and Methods: The present research, using a descriptive-analytical method of content analysis, tries to analyze the views of Islamic jurists regarding the permissibility or impermissibility of voluntary disable for ablution in order to clarify the ruling of nail planting in the light of it.

Conclusion: Ablution is considered as one of the conditions for prayer and people should not deliberately and voluntarily put themselves in a situation where they are unable to perform ablution. In this regard, artificial nails disturb the validity of ablution, because it creates an obstacle for water penetrate into the members of ablution and since ablution is prerequisite for prayer and there is a necessary connection between the prerequisite and the consequent, as a result, nail planting is absolutely forbidden (before or after entering the time of prayer).

Keywords: Nail planting, Purity, Voluntary disable, Creating an obstacle

Corresponding Author: Abdul Samad Aliabadi; **Email:** a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

Received: December 2, 2023; **Accepted:** March 10, 2024; **Published Online:** March 18, 2024

Please cite this article as:

Aliabadi A S., Hosseini S. Jurisprudential analysis of nail planting in the light of the ruling on disable voluntary for ablution from the perspective of Islamic religions. Med Fighh Journal. 2024; 15(45): e6.



مجله فقه پزشکی

دوره پانزدهم، شماره چهل و پنج، ۱۴۰۲



تحلیل فقهی کاشت ناخن در پرتو حکم عاجز کردن اختیاری برای وضو

از دیدگاه مذاهب اسلامی

عبدالصمد علی آبادی^{۱*}، سمیه حسینی^۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق امامیه، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

۲. طلبه سطح ۴ گرایش فقه خانواده، حوزه علمیه ریحانه النبی استان مرکزی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در حال حاضر، کاشت ناخن مصنوعی به صنعتی بزرگ و مرسوم در میان جوامع تبدیل شده است؛ با این وجود هنوز ابهامات زیادی درخصوص حکم آن وجود دارد که نیازمند مطالعه جامع از زوایای مختلف است. تأثیر کاشت ناخن بر شرایط طهارت، به‌ویژه در زمینه ایجاد مانع برای نفوذ آب به اعضای مورد نیاز برای وضو، ازجمله موضوعات مهم مورد بررسی است؛ لذا پرسش این تحقیق آن است که با توجه به مانع بودن کاشت ناخن برای طهارت، چه حکمی برای این عمل وضع شده است. به عبارت دیگر، عاجز کردن اختیاری از وضو چه حکمی دارد؟ این مقاله به هدف پاسخ به سؤال فوق نوشته شده است. یکی از مسائل مورد اختلاف فقهی مذاهب، عاجز کردن اختیاری برای وضوست که استقرا و ارزیابی دلایل موافقان و مخالفان می‌تواند زمینه را برای فهم حکم کاشت ناخن فراهم آورد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتوا سعی دارد با واکاوی دیدگاه‌های فقه‌های اسلامی نسبت به جواز یا عدم جواز عاجز کردن اختیاری برای وضو بپردازد تا در پرتو آن حکم کاشت ناخن روشن شود.

نتیجه‌گیری: وضو به‌عنوان شرط برای نماز در نظر گرفته شده است و افراد نباید به‌صورت عمدی و با اختیار خود، خویشتن را در وضعیتی قرار دهند که از انجام وضو عاجز باشند. در این راستا، ناخن مصنوعی به‌دلیل ایجاد مانع برای رسیدن آب به اعضای وضو، صحت وضو را مختل می‌کند؛ و از آنجایی که وضو مقدمه نماز است و بین مقدمه و ذی‌المقدمه ملازمه وجود دارد. درنتیجه کاشت ناخن به‌دلیل مانع بودن آن برای وضو مطلقاً (قبل از دخول وقت نماز یا پس از آن) حرام است.

واژگان کلیدی: کاشت ناخن، طهارت، عاجز کردن اختیاری، ایجاد مانع

نویسنده مسئول: عبدالصمد علی آبادی؛ پست الکترونیک: a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Aliabadi A S., Hosseini S. Jurisprudential analysis of nail planting in the light of the ruling on disable voluntary for ablution from the perspective of Islamic religions. Med Fighh Journal. 2024; 15(45): e6ssss.

مقدمه

انسان با پیشرفت علم، به افق‌های نوینی دست پیدا می‌کند و با مسائل جدیدی نیز مواجه می‌شود (۱) و تحولات بزرگی را در زندگی بشر به وجود می‌آورد. (۲) کاشت ناخن مصنوعی یکی از مسائل مورد ابتلای امروز است که با چالش‌هایی مواجه است. از مهم‌ترین دلایل بانوان برای کاشت ناخن، تمایل به زیباتر شدن است؛ چراکه انسان‌ها افزون بر زیبایی خود به دنبال کسب زیبایی نیز هستند. (۳) کاشت ناخن که در آن یک لایه مصنوعی بر روی ناخن طبیعی قرار می‌گیرد، می‌تواند منجر به عوارضی همچون تغییر رنگ ناخن، التهاب پریونیشیوم، عفونت‌های قارچی، آگزمای تماسی، آسیب به ماتریکس ناخن و نفوذ مواد مضر به جریان خون شود. (۴) کاشت ناخن گذشته از عوارض آن، مانعی برای وضو شناخته می‌شود؛ به این بیان که معمولاً بعد از کاشتن ناخن، کندن آن به راحتی امکان ندارد و برای مدت‌ها آب به قسمتی از انگشت که ناخن مصنوعی بر روی آن کاشته شده، نمی‌رسد. هرچند وضو به خودی خود واجب نیست؛ اما برای انجام نماز واجب می‌شود. مکلف در زمان مقرر، یعنی بعد از فرا رسیدن وقت نماز باید وضو بگیرد، ولی وضو با ناخن مصنوعی صحیح نیست، و وقتی وضو صحیح نباشد، به تبع آن نماز هم صحیح نخواهد بود. با این حال، در شرایط خاص تیمم به عنوان جایگزینی برای وضو با شرایطی قرار داده شده است. خداوند در قرآن (۵)، ابتدا به کسانی که قصد خواندن نماز را دارند، امر به وضو می‌کند و سپس با شرایطی اجازه می‌دهد که شخص به جای وضو تیمم کند، در این مورد هیچ ابهامی وجود ندارد، ولی مسئله‌ای که مورد مناقشه واقع شده، این است که آیا شخص می‌تواند از روی اختیار و آگاهانه خود را در موقعیتی قرار دهد که عاجز از وضو گرفتن شود یا خیر؟ این مسئله مورد اختلاف است و در صورتی که به راه‌حلی برسد، حکم کاشت ناخن مصنوعی و سایر موارد مشابه که ممکن است بر روی وضو تأثیر بگذارند، روشن خواهد شد. در حوزه فقه، کاشت ناخن تنها یک مقاله با عنوان «واکاوی فقهی کاشت ناخن و مژه» به قلم هادی سعیدی، مجله جستارهایی در فقه

پزشکی قم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۶، ص ۳۳ تا ۶۰ یافت شد. نویسندگان در چکیده اشاره نموده که «در پژوهش حاضر با استفاده از آیات و روایات و کتب فقهی، کاشت ناخن و مژه مورد واکاوی فقهی همراه با نظرات مراجع مورد بررسی قرار گرفت»؛ اما مقاله حاضر قصد دارد با بررسی مسئله عاجز کردن اختیاری از وضو از منظر فقه مذاهب اسلامی، حکم کاشت ناخن را به دست آورد.

مواد و روش‌ها

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و با به کارگیری ابزار فیش است. پس از مراجعه به کتابخانه و جستجو و تحقیق در منابع فقهی و پزشکی معتبر و پژوهش در زمینه پرسمان مورد بحث مقاله، یافته‌های مورد نظر در برگه‌های فیش گردآوری و پس از دسته‌بندی مطالب به صورت نوشتار حاضر سامان داده شده است. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا است. بر این اساس، عناوین اصلی و کلیات بحث توصیف شده و درونمایه آنها در یک فرایند کیفی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌ها

فقه‌ها در مورد اینکه آیا می‌توان قبل یا بعد از وقت نماز مانعی بر روی اعضای وضو ایجاد کرد یا خیر، تفاوت نظر دارند و تفصیل داده‌اند. براساس نظر فقهای مذاهب، مانع‌سازی پس از ورود وقت نماز جایز نیست، ولی در مورد حکم ایجاد مانع پیش از وقت نماز اختلاف دارند؛ اکثریت فقهای مذاهب معتقدند که می‌توان قبل از وقت نماز به صورت اختیاری مانعی در اعضای وضو ایجاد کرد و این گروه می‌پندارند که وجوب وضو و وجوب نماز به هم پیوسته هستند. اگر نماز واجب باشد، وضو نیز واجب می‌شود، و اگر نماز واجب نباشد، وضو نیز واجب نمی‌شود. براساس این نظریه، قبل از شروع وقت نماز، چون نماز واجب نشده است، پس وضو هم واجب نیست. بنابراین، شخص می‌تواند قبل از نماز روی اعضای وضو مانعی بسازد، مثل کاشت ناخن. ولی برخی دیگر باور دارند که

طهارت یک مسئله عقلی است و فرد قبل یا بعد از تکلیف به نماز نباید برای خود مانعی ایجاد کند تا از به دست آوردن طهارت محروم گردد و از نظر عقل تفاوتی بین قبل از وقت و بعد از وقت نماز نیست. بنابراین قول راجح این است که مطلقاً (قبل یا بعد از وقت نماز) جایز نیست برای وضو به صورت اختیاری مانعی ایجاد کرد؛ چون کاشت ناخن باعث می شود آب به اعضای وضو نرسد، در نتیجه چنین کاری حرام است. برای تحلیل بهتر مسئله، ابتدا به بیان معنای تعجیز و سپس به نظرات فقهی مذاهب پرداخته می شود.

۱. مفهوم شناسی تعجیز

تعجیز به معنای عاجز کردن است (۶) و مقصود از تعجیز در مورد بحث این است که فرد، با اختیار خود، امکان انجام وضو را از دست می دهد؛ این امر گاه با ریختن آب به گونه ای اتفاق می افتد که برای انجام وضو آبی باقی نماند، و گاهی نیز به دلیل موانعی که از رسیدن آب به بدن جلوگیری می کنند. این موانع ممکن است از طریق ایجاد موانعی در مسیر آب یا به دلیل وجود موانعی بر روی بدن باشد که امکان تماس آب با پوست را ندارد، و نتیجتاً فرد ممکن است به تیمم یا جبیره نیاز داشته باشد.

۲. دیدگاه فقهی مذاهب در خصوص کاشت ناخن

کاشت ناخن با لحاظ مانع بودن یا نبودن نسبت به اعضای وضو چند صورت دارد؛ این عمل ممکن است یا مانع برای رسیدن آب به اعضای وضو گردد یا اینکه مانع نباشد. در فرض مانع بودن، باید توجه داشت که برداشتن ناخن به روشی ساده یا همراه با مشقت و حرج انجام شود. بنابراین، اگر کاشت ناخن مانعی برای وضو ایجاد نکند، یا در صورت وجود مانع، برداشتن آن هنگام وضو بدون مشقت و دشواری قابل انجام باشد، بحثی در جواز آن نیست.

اما نقطه اختلاف و نزاع میان فقها به مسئله ای ختم می شود که کاشت ناخن به گونه ای باشد که برداشتن آن هنگام فرا رسیدن وقت نماز یا مقدور مکلف نباشد یا مشقت زیاد داشته باشد. از طرف دیگر وضو مقدمه نماز محسوب می شود و خلل به وضو درواقع خلل وارد کردن به نماز است.

همچنین کاشت ناخن گاهی با توجه به وقت نماز، گاه داخل وقت نماز کاشته می شود و گاه خارج از وقت، که در ادامه به حکم هر دو قسم اشاره می شود.

۱-۲. حکم عاجز کردن هنگام فرا رسیدن وقت نماز: از منظر فقهی امامیه، بر مکلف جایز نیست از روی اختیار بخواهد خود را عاجز از وضو گرفتن کند. (۷) فقها این حکم را در بحث جواز یا عدم جواز ریختن آب در وقت نماز (أراقة الماء) بیان کرده اند؛ به این صورت که اگر مکلف مقداری آب دارد که به اندازه انجام وضو کافی است و اطمینان دارد که آب دیگری در دسترس نیست، آیا جایز است که این آب را بعد از دخول وقت نماز بریزد و تیمم کند؟ درواقع شخص با ریختن آب، عاجز از وضو گرفتن می شود. فقها ریختن آب و عاجز کردن از وضو هنگام دخول وقت نماز را جایز نمی دانند. (۸، ۹، ۱۰) صاحب جواهر این حکم را اجماعی دانسته است. (۱۱) حتی برخی هبه کردن آب وضو در وقت نماز را قبول ندارند؛ (۱۲-۱۳) زیرا این آب اختصاص به وضو دارد و نیاز این شخص به آب مهم تر از نیاز دیگران است؛ لذا وی حق ندارد با هبه کردن آب، خود را عاجز از وضو گرفتن کند و مجبور به تیمم شود. به همین دلیل، برخی گفته اند که اگر کسی در داخل وقت آب بریزد و با تیمم نماز بخواند، باید بعد از دستیابی به آب، نماز خود را قضا کند. (۱۴-۱۶)

فقهی شافعی نیز ریختن آب بعد از فرا رسیدن وقت نماز جایز نمی دانند و اگر کسی آب را بریزد و تیمم کند، برخی معتقدند که بعد از یافتن آب باید دوباره نماز را به جای آورد، چون وظیفه او طهارت با آب بوده، نه تیمم، و افراط کرده است؛ اما برخی می گویند فقط معصیت کرده، اما اعاده لازم نیست؛ زیرا با ریختن آب، برای وضو آب ندارد. (۱۷) بنابراین از منظر فقهی شافعی، عاجز کردن اختیاری از وضو حرام است و شخص عاجز مرتکب معصیت شده است. (۱۸) حنابله هم همین دیدگاه را دارند. (۱۹)

گرچه فقها در بحث «أراقة الماء» (ریختن آب) این حکم (عدم جواز عاجز کردن اختیاری) را بیان کرده اند؛ اما آنها به یک قاعده کلی اشاره می کنند که شخص حق ندارد از روی اختیار

خود را عاجز از وضو کند؛ به طوری که مجبور به تیمم شود. در اینجا فرقی نمی‌کند عدم امکان وضو به دلیل ریختن آب، بیماری، یا ایجاد مانعی مانند کاشت ناخن باشد. نتیجه آنکه از نظر فقها عاجز کردن اختیاری حرام است.

اما از نظر احناف، اگر کسی به خاطر وجود عذری تیمم کند و نماز بخواند، در صورتی که این عذر از جانب خدا باشد، تیمم وی صحیح است، اما اگر عذر از جانب انسان باشد، وی می‌تواند تیمم کند و نماز بخواند، ولی بعد از یافتن آب، باید دوباره نماز خود را اعاده یا قضا کند، چون وجوب وضو ساقط نمی‌شود؛ مثل اینکه شخصی آب را غصب کند و شخص نمازگزار مجبور به تیمم شود یا شخص در زندان مجبور به خواندن نماز با تیمم شود، یا به خاطر ترس از دشمن نتواند وضو بگیرد. (۲۲-۲۰) بنابراین از نظر احناف، وقتی چنین مواعی که از روی اختیار خود شخص ایجاد نشده، کفایت از نماز با وضو نمی‌کند، به طریق اولی اگر خود شخص از روی اختیار بر روی اجزای خود مانعی ایجاد کند، باعث سقوط نماز با وضو نمی‌شود و شخص اگر مانع ایجاد کند، باید تیمم کند و نماز بخواند، ولی وقتی دسترسی به آب پیدا کرد، باید دوباره وضو بگیرد و آن نماز را اعاده یا قضا کند. فقها برای اثبات نظریه خود به ادله زیر استناد کرده‌اند:

الف) قرآن: خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (۵)

در این آیه، طهارت با آب به صورت مطلق ذکر شده و به شرایطی نیازمند نبوده که آب موجود یا ناموجود باشد. این اطلاق، نشان‌دهنده مطلوبیت انجام وضو و غسل با آب به صورت مطلق است؛ حتی در صورت عدم دسترسی به آب. (۷) این ادعا که اطلاق در آیه به این دلیل است که اغلب اوقات آب در دسترس بوده و فقدان آب به ندرت اتفاق می‌افتاد، پذیرفته نمی‌شود و به فرض که چنین ادعایی درست باشد، به

اطلاق آیه ضرر وارد نمی‌کند؛ زیرا عجز مطلق، از اشاره آیه به بیماری و لغو ویژگی‌ها در مورد دیگر عذرهای استفاده می‌شود، نه از ندرت فقدان آب. بنابراین آیه درصدد بیان کیفیت وضو است و این منافات با اطلاق آیه از جهت دیگر (عجز) ندارد؛ زیرا آیه به تکلیف انواع افراد مکلف (شامل واجد و فاقد، جنب و غیره) اشاره دارد. (۷)

همچنین فقره «لَمْ تَجِدُوا» که در آیه آمده است، نمی‌تواند ابتدای آیه را به گونه‌ای محدود کند که بگوید در این آیه مطلوبیت انجام وضو با آب فقط برای کسی صدق می‌کند که آب برای وضو در دسترس دارد؛ زیرا اولاً: آنچه عرف از دو عنوان «الفاقد» و «عدم الوجدان» و مشابه آنها می‌فهمد این است که از عناوین اضطراری هستند، و حکم مرتبط با آنها تنها در شرایط اضطراری و عدم امکان (عجز) از انجام مطلوب اصلی اعمال می‌شود، و ثانیاً: اینکه بیمار را در کنار مسافر قرار داده است، نشانگر این است که حکم تیمم همانند حالت بیمار که به دلیل بروز اضطرار اعمال می‌شود، در سایر موارد نیز به دلیل وجود اضطرار ممکن است، و ثالثاً: جمله آخر آیه (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ) ظاهراً به تیمم در حالت بیماری و سفر اشاره دارد؛ زیرا امر به تیمم به منظور ایجاد تسهیل و رفع حرج ارائه شده است. (۷)

بنابراین موضوع حکم به وجوب تیمم، ناشی از نبود طبیعی آب است، نه اینکه شخص به اختیار کاری انجام دهد که امکان گرفتن وضو برای وی فراهم نگردد. پس آنچه که از ظاهر آیه به دست می‌آید، این است که اگر امر به چیزی در مرتبه اول و امر به چیز دیگر در مرتبه بعدی با فرض عجز و اضطرار به ترک اولیه باشد، این امر دوم بدل اضطراری است، نه اینکه امر دوم اختیاری باشد؛ به طوری که مکلف از ابتدا قادر باشد امر اول (وضو) را اجرا کند یا خود را عاجز کند، و امر دوم (تیمم) را انجام دهد. زمانی که امثال به امر اول به طور طبیعی برای فرد ممکن نباشد، او به امر ثانوی و دوم منتقل می‌شود.

برخی فقهای اهل سنت خصوصاً احناف با اشاره به حق الله بودن وضو می‌گویند طبق این آیه وضو واجب است و مواردی که می‌توان از وضو به تیمم عدول کرد در این آیه ذکر شده

است؛ لذا اگر غیر از موارد ذکر شده مانع دیگری عارض شود و شخص مجبور به تیمم شود و نماز بخواند چنین نمازی از وی پذیرفته نمی‌شود. (۲۲-۲۰) البته مکلف باید تیمم کند و نماز بخواند؛ اما بعد از برطرف شدن عذر، باید دوباره نماز با وضو اعاده کند.

بر این اساس، تکلیف اولی و اصلی طهارت (وضو) با آب است، حتی در شرایط عجز و ناتوانی از دستیابی به آب، و بر مکلف جایز نیست که خود را از روی اختیار عاجز از وضو گرفتن با آب کند؛ به طوری که مجبور شود تیمم کند. در نتیجه اگر فرد خودش را اختیاراً عاجز کرده باشد، امر دوم (تیمم) به او تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا امر دوم مختص زمانی است که امر اول به طور طبیعی امکان‌پذیر نباشد. بنابراین، مکلف نمی‌تواند بعد از ورود به وقت شرعی آب را بریزد یا طهارت خود را باطل کند تا به این شکل بتواند به تیمم متوجه شود و نماز بخواند.

ب) سنت: برای اثبات این نظریه به چند دسته از روایات می‌توان استناد کرد:

دسته اول: روایاتی که بر منع سفر به سرزمین‌هایی دلالت دارند که در آنها آب برای طهارت یافت نمی‌شود؛ به عنوان مثال: روایت اول: درباره مردی پرسیدم که در سفر جنب شده و جز برف و یخ چیزی نیافته، امام (ع) فرمودند: «این حالت به منزله ضرورت است، پس تیمم کند؛ و موافق نیستم که به آن منطقه‌ای که به دینش آسیب می‌زند برگردد». (۲۳)

مراد از عدم یافتن چیزهایی غیر از برف و آب یخ‌زده، عدم یافتن چیزی است که بتوان با آن غسل گرفت، نه چیزی که از روی اختیار با آن تیمم کرد. بنابراین، این روایت نشان می‌دهد که تیمم مصداق اضطرار است و در حالت ضرورت مشروع است. همچنین ذیل روایت بر عدم جواز تحصیل اضطراری به صورت اختیار دلالت دارد؛ (۷) زیرا قید نهی از «سفر به منطقه‌ای که به دینش آسیب می‌زند»، می‌فهماند که نباید کاری را انجام داد که وضو را از فعلیت خارج کند، به دلیل اینکه طهارت حاصل از خاک و غیره، خاصیت طهارت با آب را ندارد و مسافرت به این سرزمین چون باعث از دست رفتن تکلیف مهم‌تر و اساسی‌تر (طهارت با آب) می‌شود، حرام شمرده شده است. (۷)

دسته دوم: روایاتی که بر وجوب خرید آب دلالت می‌کنند؛ مثل اینکه: راوی می‌گوید درباره این سخن خدای متعال که می‌فرماید: «و اگر با زنان تماس جنسی پیدا کردید و برای غسل آبی نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید»، سؤال کردم که حدّ آن [پیدا نکردن آب] چیست؟ فرمود: اگر آبی را چه با خریدن و غیر آن نیافتید، [گفتم] پس اگر به اندازه وضو گرفتن آبی را به صد هزار یا هزار [درهم] می‌فروختند، تا چه مبلغی باید بدهد؟ فرمود: هر مقدار که توانایی دارد». (۲۴)

آنچه که از این روایت فهمیده می‌شود آن است که حفظ آب برای وضو واجب است، و در نظر عرف، جواز ریختن آب (اراقه الماء) پس از خرید به عنوان نقض این وجوب است، و به طور کلی، وجوب خرید آب به منظور دستیابی به مصلحت ملزمه (ضروری) است و نه به دلیل وجود آب به تنهایی، تا گمان شود منافاتی بین وجوب خرید آب و جواز ریختن آب برای تبدیل موضوع (از وضو به تیمم) نیست. (۷)

خلاصه آنکه وجوب به دست آوردن آب و نماز با طهارت با آب، هر دو مطلوب شارع است. بنابراین، ریختن آب مجاز نیست؛ زیرا این اقدام موجب می‌شود شخص از روی اختیار عاجز از وضو گرفتن شود و وظیفه او از وضو با آب تبدیل به تیمم با خاک شود. در مورد کاشت ناخن نیز وضع مشابهی وجود دارد؛ زیرا افراد این با اختیار خود ناخن می‌کارند و در نتیجه، عاجز از وضو می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود که برای انجام نماز، به تیمم پناه ببرند. به همین دلیل، کاشت ناخن در زمان نماز حرام است؛ چراکه باعث از بین رفتن مصلحتی می‌شود که نماز با وضو دارد.

دسته سوم روایاتی که بر وجوب طلب (جستجو کردن) آب دلالت دارند؛ مثل روایتی که زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «هنگامی که مسافر آب نمی‌یابد، بایستی تا زمانی که وقت نماز باقی مانده، جستجو کند، و هنگامی که می‌ترسد که وقت نماز از او فوت شود، بایستی تیمم نموده، در آخر وقت نماز را به جا آورد، و در صورتی که پس از آن آب بیابد، قضایی بر عهده او نیست و باید برای نماز بعدی وضو بگیرد». (۲۴)

این روایت دلالت بر وجوب طلب (جستجو) آب می‌کند؛ لذا ریختن و هدر دادن آب، هبه و فروش آب و ... جایز نیست و

حرام است. (۲۵) به بیان دیگر، از دیدگاه عرف، وجوب جستجو برای تأمین آب با جواز هدر دادن و ریختن آب، غیر معقول و نادرست است. (۷)

اشکال: امکان دارد کسی ادعا کند که برخی روایات اظهار می‌کنند شخصی که دسترسی به آب ندارد، می‌تواند از روی اختیار خود را عاجز کند و تیمم کند، مثل روایتی که از امام (ع) درباره مردی سؤال شد که همراه با خانواده‌اش در سفر است و آبی برای غسل ندارد، آیا می‌تواند با همسرش جماع کند و امام (ع) فرمودند که اگر بر خود بترسد «بخاف علی نفسه» جایز است. (۲۶) یا در روایت دیگری که مشابه روایت فوق است، راوی درباره حکم جماع با قصد لذت در فرض نبود آب می‌پرسد که امام (ع) فرمودند: «حلال است». (۲۳) طبق این روایات، در جایی که شخص دسترسی به آب ندارد می‌تواند جماع کند و به جای غسل، تیمم کند. به عبارت دیگر، بر شخص جایز است که از روی اختیار خود را از غسل عاجز کند، پس به طریق اولی می‌تواند کاری کند که به جای وضو تیمم کند؛ زیرا غسل اهمیت بیشتری نسبت به وضو دارد.

در پاسخ به این اشکال باید ذکر کرد که روایات عدم جواز تعجیز بر جواز تعجیز ترجیح دارند؛ زیرا اولاً: با قرآن سازگار بوده و با فتاوی فقها همخوانی دارد. (۱۷، ۲۷) ثانیاً: این روایات اختصاص به مورد خودش دارد و قابل تعمیم به موارد دیگر نیستند؛ (همان مدرک) یعنی دلیلی که درباره جواز اقامه شده، درباره خصوص جنب شدن به وسیله همسر است، نه دیگر اسباب جنابت. (۲۸) بنابراین اگر کسی علم دارد که اگر بخوابد جنب می‌شود و بعد آن نمی‌تواند غسل کند، مجاز نیست که بخوابد، مگر این که نخواهد برایش ضرر داشته باشد.

۲-۲. حکم عاجز کردن قبل از وقت نماز: درخصوص اینکه آیا ایجاد مانع و عاجز کردن اختیاری برای وضو قبل از وقت نماز جایز است یا خیر، موضوعی است که نظرات متفاوتی درباره آن وجود دارد؛ برخی قائل به عدم جواز ایجاد مانع قبل از وقت نماز هستند و برخی دیگر ایجاد مانع قبل از وقت نماز را جایز می‌دانند، که در ادامه به طرفداران هر یک از دو نظریه و ادله آنها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. عدم جواز عاجز کردن: برخی از فقها اعتقاد دارند که ریختن آب قبل از وقت نماز جایز نیست. البته در صورتی که شخص می‌داند بعد از فرا رسیدن وقت نماز، آب برای انجام وضو در دسترس نخواهد داشت. (۷، ۲۹، ۳۰) درواقع، با ریختن آب در خارج از وقت، شخص از امکان گرفتن وضو در وقت نماز ممانعت ایجاد می‌کند. بنابراین، ایجاد هرگونه مانعی قبل از وقت نماز، به گونه‌ای که این مانع موجب وضو گرفتن شود، جایز نیست. حالا فرقی نمی‌کند که آیا ریختن آب مانع وضو گرفتن شود یا اینکه شخص ناخن به کارد؛ زیرا بعد از کاشت ناخن، آب به اعضای وضو نمی‌رسد؛ بنابراین وضوی او صحیح نیست. به عبارت دیگر، نتیجه در هر دو حالت یکسان است و آن عدم طهارت با آب است.

اوزاعی می‌گوید اگر کسی قبل از وقت نماز آب وضو را بریزد یا از کنار آبی عبور کند و وضو نگیرد، در حالی که می‌داند بعد از دخول وقت نماز آب برای وضو ندارد، این شخص بعد از فرا رسیدن وقت نماز باید تیمم کند و نماز بخواند و هر وقت که آب پیدا کرد، باید دوباره نماز خود را با طهارت آبی بخواند، چون افراط‌گر است. (۳۱) به عبارت دیگر، شخص در صورتی می‌تواند آب بریزد، که یقین داشته باشد هنگام وقت نماز دسترسی به آب دارد، وگرنه حرام است با آب ریختن خود را عاجز از وضو گرفتن کند. ظاهراً حنابله نیز موافق قول اوزاعی هستند. (۱۹، ۳۱)

فقهای حنفیه نیز همان‌طور که گذشت، عاجز کردن اختیاری را مطلقاً جایز نمی‌دانند، چه قبل از فرا رسیدن وقت نماز، چه هنگام فرا رسیدن وقت نماز. (۲۰)

بنابراین از دیدگاه احناف و امام اوزاعی بر مکلف حرام است که خود را عاجز از وضو گرفتن کند، هرچند که وقت نماز فرا نرسیده باشد. مستندات این دیدگاه عبارت است از:

الف) سنت: در روایتی راوی از امام (ع) درخصوص شخصی که ناخنش قطع شده، چنین سؤال می‌کند: «هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِ عَلَاقًا؟» آیا گذاشتن صمغ بر آن جایز است؟ حضرت فرمود: «قَالَ لَا وَلََّا يَجْعَلَ عَلَيْهِ إِلَّا مَا يَقْدِرُ عَلَى اخْذِهِ عَنْهُ عِنْدَ الْوُضُوءِ وَلَا يَجْعَلَ عَلَيْهِ مَا لَا يَصِلُ إِلَيْهِ الْمَاءُ»؛ نه، و فقط چیزی

را که می‌تواند هنگام وضو از آن جدا کند، روی آن بگذارد. و چیزی را بر روی آن قرار ندهد که آب به آن نمی‌رسد. (۳۲) سند روایت موثق است. (۳۳-۳۴) امام (ع) به صورت مطلق فرمود که ایجاد هر مانعی بر اعضای وضو جایز نیست، چه قبل از وقت نماز، و چه بعد از وقت آن.

البته فقها این روایت را حمل بر حالت اختیار کرده‌اند؛ (۳۳) یعنی فقط در حال ضرورت مثل جراحت؛ لذا وقتی که انگشت وی بهبود یافت نباید چیزی بر آن بگذارد که مانع از وضو شود؛ (۳۵-۳۶) چنان‌که شیخ طوسی این روایت را حمل بر حالت اختیار کرده است، به این دلیل که روایت دیگری وجود دارد که از آن روایت فهمیده می‌شود که در حالت ضرورت اشکالی ندارد. (۳۲)

در هر صورت، چه گفته شود که روایت فوق به صورت مطلق (ضرورت و اختیار) بر عدم جواز گذاشتن مانع بر روی انگشت دلالت می‌کند یا فقط شامل حالت اختیار می‌شود، ضرری به اطلاق این روایت مبنی بر عدم جواز ایجاد مانع از روی اختیار، چه قبل از وقت نماز و چه بعد از آن، وارد نمی‌کند، چون این روایت نسبت به این بحث اطلاق دارد.

ب) عقل: از نظر این گروه، وجوب حفظ طهارت، مسئله عقلی محض است و مکلف مجاز نیست چه قبل و چه بعد از زمان تکلیف خودش را از تحصیل طهارت عاجز کند. (۷، ۲۹، ۳۰، ۳۷)

امام خمینی (ره) می‌نویسد: «آنان که گمان کرده‌اند که بین این دو فرق است، چون که تکلیف قبل از داخل شدن در وقت، متعلق به ذی‌المقدمه نیست و یا فعلی منجز نیست و مقدمه هم تابع ذی‌المقدمه است، این گمان نادرست است؛ چرا که پیشتر بیان شد که وجوب حفظ طهارت شرعی نیست، بلکه عقلی محض است و با فرض وجوب آن، بحث درباره تبعیت آن از ذی‌المقدمه، بی‌معنی است؛ بلکه ممکن است اراده غیري قبل از تعلق اراده به ذی‌المقدمه به آن تعلق یابد، بنابر آنکه وقت شرعی را شرط بدانیم و مشروط را هم قبل از شرطش واجب ندانیم؛ چرا که مبادی تعلق اراده غیري، جدای از مبادی اراده نفسی است». (۷)

به عبارت دیگر، وضو مقدمه نماز است و بدون آن نماز خواندن جایز نیست. از سوی دیگر، وضو به تنهایی واجب نیست؛ اما هنگام وارد شدن وقت نماز واجب می‌شود. حال هرچند قبل از وقت نماز، تکلیفی نیست (یعنی وضو واجب نشده است)؛ اما عقل می‌داند که به زودی وقت نماز فرا می‌رسد و اگر مکلف مانعی ایجاد کند، نمی‌تواند وضو بگیرد؛ لذا عقل حکم می‌کند که عاجز کردن از وضو حتی قبل از وقت نماز جایز نیست.

بنابراین با علم به وجوب نمازی که زمان انجام آن در آینده است، عقل اجازه نمی‌دهد که شخص مانعی در اعضای وضو ایجاد کند که به سبب آن ناتوان از گرفتن وضو شود، و در نتیجه، تکلیف یعنی نماز فوت شود، حتی اگر احتمال برداشتن مانع و قدرت پیدا کردن در زمان وقت نماز داده شود. (۷)

سبزواری نیز، در تأکید بر عدم جواز عاجز کردن نفس قبل از عمل، دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند که: «وجوب جستجو از آب، یک وجوب نفسی یا غیري نیست که بتواند شرط صحت تیمم قرار بگیرد؛ بلکه این وجوب طریقی عقلی محض است؛ چرا که همه ملاک در تقبیح و توبیخ عقلاً - نسبت به عاجز کردن خود از انجام چیزی که می‌داند مقصود و مورد اراده مولاست، خواه تکلیف فعلی باشد یا تبدیل به فعلی شود - را یک ملاک وجدانی می‌دانند، و این قبح مختص به بعد از تنجیز تکلیف و فعلیتش نیست؛ بلکه هر تکلیفی که در معرض تنجیز و فعلیت یافتن است، زشت و قبیح است که فرد آن را فوت کند و ملاک این قبیح بودن، همان ملاک قبیح بودن این کار بعد از تنجیز تکلیف است؛ لکن این قبح شدت و ضعف دارد که البته این شدت و ضعف هرگز باعث سقوط قبح و زشتی نمی‌شود و شاید همین تفاوت در شدت و ضعف منشأ فتوا به احتیاط واجب نزد برخی از فقها در این مسئله شده است». (۲۹)

محقق همدانی، همچون برخی دیگر از علمای بزرگ، تفویض مقدمه و تعجیز نفس را در خارج از وقت جایز نمی‌داند و آن را به مثابه تعلمی می‌داند که برای شخص جاهل در خارج از وقت لازم است و جهل او که سبب تضييع واجب شده است را مانع از توبیخ نمی‌داند و خطاب «هلا تعلمت» را متوجه او می‌داند. (۳۰)

حکیم نیز موافق عدم جواز عقلی تعجیز نفس بوده و این موضوع را تأیید کرده است: «این روایت شریف که معصوم (ع) فرمودند «زمانی که داخل در وقت شدید طهارت و نماز واجب می‌شود» نهایت مقتضایش، تعیین کردن زمان برای طهارت واجب است که بگوییم وجوب طهارت، زمانش دخول در وقت است و این مطلب اصلاً محل اشکال نیست؛ چرا که طهارت صرفاً به دلیل اینکه شرط نماز و مقارن نماز است، واجب است و نماز واجب نمی‌شود، جز بعد از وارد شدن به وقت شرعی؛ پس گویی که منظور امام این است که زمانی که داخل در وقت شرعی شدی، نمازی که در حال طهارت است واجب می‌شود». (۳۸)

پس اگر کسی در حالی که واجد شرایط بود، حتی با احتمال اینکه بتواند دوباره شرایط را برای خود فراهم کند (مثلاً آب داشت و احتمال می‌داد باز هم آب بتواند تحصیل کند)، عقلاً مجاز به دور انداختن آب موجود به دلیل این احتمال نیست؛ زیرا عقل به لزوم خارج شدن از عهده تکلیف حکم می‌کند، و احتمال تحصیل دوباره شرایط، برای عقل به‌عنوان یک عذر موجه محسوب نمی‌شود.

احناف نیز وضو را حق الله می‌دانند و مواردی که جایز است شخص به جای وضو تیمم کند را خداوند در قرآن ذکر کرده است (۵) و تجاوز از آنها نیز جایز نیست. (۲۰-۲۲) که قبلاً این دلیل بیان شد.

۲-۲-۲. جواز عاجز کردن: از منظر برخی از فقها، تعجیز قبل از وقت جایز است، به این معنا که مکلف می‌تواند قبل از فرا رسیدن وقت انجام واجب، خود را از روی اختیار عاجز از وضو گرفتن کند. از همین رو، مکلف می‌تواند قبل از وقت نماز، آبی را که برای وضو دارد بریزد و بعد از دخول وقت نماز، با تیمم نماز بخواند و هیچ گناهی هم رخ نداده است. این دیدگاه به مشهور فقها نسبت داده شده است. (۹) علامه حلی (۳۹) و صاحب جواهر (۱۱) از جمله فقهای هستند که به این دیدگاه گرایش دارند.

در بحث جواز یا عدم جواز تعجیز، خوئی نیز دو دیدگاه متفاوت دارد. ایشان در مورد زنی که بعد از اذان ظهر به اندازه

خواندن هشت رکعت نماز وقت دارد و سپس حیض می‌شود و بعد از فرا رسیدن وقت نماز نیز فرصتی برای وضو نخواهد داشت، در ابتدا می‌گوید واجب است قبل از وقت، وضو بگیرد (۴۰)؛ اما در جای دیگری قائل به عدم وجوب طهارت در همین فرض است. (۴۰)

شافعیه نیز اراکه قبل از وقت را جایز می‌دانند؛ به این دلیل که قبل از وقت وضو واجب نشده است. (۱۸) بنابراین شخص تیمم می‌کند و نماز می‌خواند و در صورت یافتن آب نیازی به اعاده نماز آن نیست. (۱۸)

دلیل قائلان به جواز تعجیز مکلف قبل از دخول وقت نماز عبارت است از:

الف) عدم وجود امر به وضو قبل از وقت نماز: آیه شریفه «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا...» و روایت امام (ع): «زمانی که خورشید زوال پیدا کرد نماز و طهارت واجب است»، دلالت می‌کنند بر اینکه نماز و طهارت ملاکی قبل از وقت ندارند. اگر این گونه بشود، دیگر حفظ قدرت برای حفظ و نگهداری آب یا طهارت، قبل از داخل شدن در وقت واجب نیست (۴۱) و شخص می‌تواند از روی اختیار خود را عاجز از وضو کند.

ب) برائت: قبل از وقت شک در وجوب حفظ آب وجود دارد که برائت جاری می‌شود و حکم به عدم وجوب حفظ آب می‌شود. اشکال: برائت در واجبات شرعی جاری می‌شود، درحالی که مقدمه واجب شرعی نیست و بر فرض نیز واجب باشد، در صورت مخالفت شخص عقاب نمی‌شود؛ لذا اصل برائت در اینجا جاری نمی‌شود. (۷)

۲-۳. دیدگاه راجح: برای فهم بهتر و دقیق‌تر اقوال و مستندات آنها شایسته است به نکاتی در این رابطه اشاره شود که توجه به آنها می‌تواند در راستای دست یافتن به قول راجح در این زمینه کارساز باشد.

۱) وجوب نفسی وضو: وضو مطلق است و مشروط نیست. برای روشن شدن این مطلب، لازم است به این نکته اشاره شود که تکلیف وقتی به دو عنوان تعلق می‌گیرد، به دو صورت است: اول به صورت مشروط است، مثل نماز حاضر و مسافر که به این صورت آمده است: «إِذَا كُنْتَ فِي السَّفَرِ فَكُذِّا، وَ إِنْ كُنْتَ

فی الحضر فکذا». در این صورت شخص می‌تواند مسافر باشد یا حاضر، یعنی حفظ یکی از دو عنوان (مسافر و حاضر) لازم نیست؛ لذا شخص می‌تواند به سفر برود یا اینکه در وطن بماند یا اینکه یک عنوان را تبدیل به عنوان دیگر کند، یعنی اگر حاضر است، به سفر برود و اگر مسافر است به وطن برگردد، چه قبل از وقت نماز چه بعد از وقت نماز. و دوم به صورت مطلق است؛ در این فرض مکلف نمی‌تواند خود را عاجز کند؛ زیرا قدرت از قیود و عناوینی نیست که در مکلف اخذ شده باشد و همچنین شرط تکلیف نیست؛ اما انسان عاجز می‌تواند ترک کند، مثل نجات شخصی که در حال غرق شدن است که نجات آن شخص بر همه واجب است، بدون اینکه مشروط به قدرت باشد، لذا شخص نمی‌تواند خود را تعجیز کند. (۷، ۴۲)

وضو نیز از همین قسم دوم است که شخص حق ندارد خود را عاجز از وضو گرفتن کند؛ به طوری که برای نماز مجبور به تیمم شود؛ زیرا وضو برای نماز مشروط به قدرت نیست، بلکه مطلقاً واجب است، چه شخص قدرت بر وضو داشته باشد، چه نداشته باشد. البته اگر شخص عاجز باشد می‌تواند تیمم کند.

۲) مطلوبیت نفسی وضو: طهارت مائیه (وضو) دارای مطلوبیت نفسی است؛ لذا مکلف نباید از روی اختیار خود را از وضو گرفتن عاجز کند. به عبارت دیگر، طهارت با آب افزون بر آنکه مطلوبیت غیری (واجب بودن وضو برای نماز، مسح قرآن و...) دارد، مطلوبیت نفسی نیز دارد، بنابراین از حیث مطلوبیت غیری و مقدمیت، وضو و تیمم نسبت به نماز فرقی ندارند و هر دو یکی هستند؛ اما تفاوت آنها در حیثیت نفسی است که طهارت با آب چنین مطلوبیتی دارد؛ اما تیمم ندارد. این حیثیت درواقع مانع از آن می‌شود که انسان تا مادامی که می‌تواند باید وضو بگیرد و اجازه تیمم را نمی‌دهد. (۴۲)

۳) مقدمه مفوته: مقدمه مفوته به مقدمه‌ای گفته می‌شود که اگر قبل از واجب شدن و فرا رسیدن وقت ذی‌المقدمه انجام نشود، موجب تفویت ذی‌المقدمه می‌شود؛ یعنی این مقدمه قبل از واجب شدن ذی‌المقدمه، واجب است؛ زیرا در صورتی که این مقدمات واجب نباشد و مکلف انجام ندهد، باعث می‌شود که ذی‌المقدمه در وقت خودش فوت شود. (۴۳) اصولیان در اصل

لزوم (واجب بودن) انجام مقدمه قبل از زمان واجب، در جایی که قدرت امتثال مقدمه بعد از زمان واجب نباشد، اتفاق دارند؛ (۴۴) اما نسبت به چگونگی وجوب مقدمه پیش از وجوب ذی‌المقدمه اختلاف دارند که چندین نظر مطرح شده است. (۴۳-۴۵)

بنابراین وضو نسبت به نماز مقدمه مفوته شمرده شده است؛ (۴۳-۴۵) حال اگر مکلف بداند که هنگام فرا رسیدن وقت نماز نمی‌تواند وضو بگیرد، بر وی واجب است که قبل از فرا رسیدن وقت نماز وضو بگیرد، همان‌طور که خوئی در مورد زنی که بعد از اذان ظهر به اندازه خواندن هشت رکعت نماز وقت دارد و بعد از آن حیض می‌شود و بعد از فرا رسیدن وقت نماز نیز فرصتی برای وضو نخواهد داشت، فتوا داده است که چنین زنی باید قبل از وقت نماز وضو بگیرد. (۴۰) ایشان در ادامه اشاره کرده‌اند که این حکم مختص حائض نیست. (۴۰)

۴) قول راجح: به نظر نگارنده، با توجه به موافقت دیدگاه عدم جواز ایجاد مانع در اعضای وضو، چه هنگام داخل شدن وقت نماز یا قبل از آن، با قرآن و سنت و وجوب مطلق وضو و اینکه وضو مقدمه مفوته است و اخلاص به آن موجب اخلاص در ذی‌المقدمه (نماز) می‌شود، این دیدگاه به‌واقع نزدیک‌تر است؛ کما اینکه برخی از مراجع معظم فتوا داده‌اند. به عنوان مثال آیت‌الله بهجت می‌گوید: «شخصی که اصلاً ناخن ندارد و می‌خواهد ناخن مصنوعی بکارد، آن ناخن جزو بدن او نمی‌شود، چون رشد و نمو ندارد و از اول این کاشتن جایز نیست، چون اضطرار ندارد. در وضو و غسل اشکال پیدا می‌شود و در داخل وقت نماز، ضایع نمودن امر واجب محسوب می‌شود و قبل از وقت نماز هم خلاف احتیاط است. ولی اگر این کار را کرد و هنگام وضو یا غسل امکان بیرون آوردن آن نبود، باید در مسح و غسل عمل به جبیره کند». یا آیت‌الله وحید خراسانی فتوا داده است که «کاشت ناخن جایز نیست و حرام است و اگر کسی اقدام به چنین کاری کرد، باید ناخن‌ها را بکند. ولی اگر کننده نشد، باید وضو و غسل را به صورت جبیره انجام دهد و سپس احتیاطاً تیمم هم انجام دهد و پس از کننده شدن و رفع ناخن‌های کاشته شده، باید نمازهایی را که قبلاً با داشتن آن ناخن‌ها به جا آورده، اعاده کند».

مشارکت نویسندگان

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

همچنین آیت‌الله صافی گلپایگانی گفته است: «کاشتن ناخن به صورتی که برای وضو و غسل نتوانند آن را بردارند، اشکال دارد.» آیت‌الله مکارم نیز می‌گوید: «کاشت ناخن حرام است، مگر اینکه ضرورت داشته باشد» (۴۶).

نتیجه‌گیری

کاشت ناخن مانع از رسیدن آب به اعضای وضو می‌شود و در صورتی که نتوان آن را برای وضو بکند، شخص عاجز از وضو گرفتن می‌شود. حکم عاجز کردن اختیاری از وضو را در بحث جواز یا عدم جواز ریختن آب (اراقه الماء) وضو می‌توان یافت. به اتفاق فقهای مذاهب، تعجیز کردن (ناتوان کردن اختیاری)، هنگام فرا رسیدن وقت نماز جایز نیست؛ زیرا در این فرض نماز با وضو بر مکلف منجز شده است و حرام است که خود را از وضو عاجز کرده، و تیمم کند؛ در نتیجه کاشت ناخن با توجه به مانع بودن آن نسبت به وضو در داخل وقت جایز نیست؛ اما فقها نسبت به حکم عاجز کردن قبل از وقت نماز اختلاف دارند؛ مشهور امامیه و شافعیه و حنابله جایز می‌دانند؛ زیرا با توجه به نصوص، وضو مقدمه نماز است و با فرارسیدن وقت نماز واجب می‌شود؛ لذا چون قبل از وقت واجب نیست، پس شخص می‌تواند خود را عاجز از وضو کند. طبق این نظریه، شخص می‌تواند قبل از وقت نماز بر روی اعضای وضو مانع ایجاد کند که آب به آنها نرسد و بعد از فرارسیدن وقت، باید تیمم کند؛ نتیجه آنکه در این فرض کاشت ناخن جایز است؛ اما برخی از امامیه که وجوب مقدمه واجب را به‌عنوان مسئله عقلی پذیرفته‌اند، اعلام می‌کنند که تعجیز قبل از وقت، جایز نیست؛ زیرا از نظر عقل فرقی بین قبل از وقت و بعد از وقت نیست. همچنین اوزاعی و احناف ایجاد مانع اختیاری را حرام می‌دانند، چون وضو حق‌الله است و فقط در مواردی می‌توان به جای آن تیمم کرد که خدا اجازه داده است. بنابراین طبق این دیدگاه ایجاد مانع با کاشت ناخن در هر صورت حرام است، و با توجه به نصوص و همچنین مطلوبیت نفسی وضو، قول به عدم جواز ایجاد مانع قبل از وقت و در وقت نماز ترجیح دارد؛ لذا کاشت ناخن مطلقاً حرام است.

References

- Ahangaran M, Samani E. Religious Effects and Rules of Transplanted Organ in Imami Jurisprudence. *feqhe pezeshti*. 2023(1402). 15(45). 3. [In Persian]
- Rajaei, F. Mohaqeq Dāmād, SM. Legal and Jurisprudential Consideration of Human Organ's Value. *feqhe pezeshti*. 2016. 8(26-27). 135. [In Persian]
- Tabatabaei M, Shaniwar Q. Typology of Doctor's Commitment and Responsibility in Cosmetic and Reconstructive Surgery. *feqhe pezeshti*. 2014. 5(17). 164. [In Persian]
- Complications of Nail Implants. Available from: <https://fa.parsiteb.com>
- Q. 5: 6.
- Himyarī, N. Shams al-‘Ulūm wa Dawā’ al-Kalām al-‘Arab minal-kulūm. Beirut: Dār al-Fikr. 2000(1420). 7: 4400. [In Arabic]
- Khomeini, R. Kitāb al-Ṭahārat. Tehran: Nashr Wa Tanzīm Āthār Imām Khomeini. 2000(1421). 2:12-15 & 18 & 20. [In Arabic]
- Ṭabāṭabāyī Yazdī, M. al-‘Urwat al-Wuthqā. Beirut: A‘lamī. 2001(1422). 1: 201. [In Arabic]
- ‘Āmulī, M. Miṣbāḥ al-Hudā Fī Sharḥ al-‘Urwat al-Wuthqā. Tehran: Npn. 1960(1380). 4: 119 & 121. [In Arabic]
- Hamidānī, R. Miṣbāḥ al-Faqīh. Qum: Ismā‘īlīyān. 1945(1365). 6: 108. [In Arabic]
- Najafī, MB. Jawāhir al-Kalām. Beirut: Dār al-Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. 1983(1404). 5: 89 & 90. [In Arabic]
- Hillī, H. Tadhkirat al-Fuqahā. Qum: Āl al-Bayt. 1994 (1414). 2: 167. [In Arabic]
- ‘Āmilī, M. Dhikrā al-shī‘at. Qum: Āl al-Bayt. 1999(1419). 1: 183. [In Arabic]
- Fiyd Kāshānī, M. Mu‘taṣim al-Shī‘at. Tehran: Shahīd Muṭaharī. (1429). 2:43. [In Arabic]
- Shahīd Thānī, Z. Rawḍ al-Jinān. Qum: Āl al-Bayt. Nd. 130. [In Persian]
- Narīqī, A. Mu‘tamad al-Shī‘at. Qum: Kungirat. 2001 (1422). 445. [In Arabic]
- ‘Imrānī, y. al-Bayān fī Madhhab al-Imām al-Shāfi‘ī. Jaddah: Dār al-Minhāj. 2000(1421). 1:324. [In Arabic]
- Nawawī, M. al-Majmū‘ Sharḥ al-Muhadhdhab. Beirut: Dār al-Fikr. Nd. 2: 307. [In Arabic]
- Mardāwī, A. al-Inṣāf Fī Ma‘rifat al-Rājiḥ Min al-Khalāf. 2nd ed. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. Nd. 1: 228. [In Arabic]
- Ibn Nujaym, Z. al-Baḥr al-Rā‘iq Sharḥ Kanz al-Daqā‘iq. 2nd ed. Np: Dār al-Kitāb al-Islāmī. Nd. 1:149. [In Arabic]
- Ibn ‘Ābidīn, MA. Ḥāshiyat Radd al-Muḥtār ‘Alā al-Ddur al-Mukhtār. Np. Npn. Nd. 1:239 & 441. [In Arabic]
- Ṭaḥṭāwī Ḥanafī, a. Ḥāshiyat al-Ṭaḥṭāwī ‘alā Marāqī al-Falāḥ. Beirut: Dār al-kutub. 1987(1418). 106. [In Arabic]
- Koleini, M. al-Kāfi. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1986(1407). 3: 67. [In Arabic]
- Ḥurr ‘Āmulī, M. Tafṣīl Wasā’il al-Shī‘at Ilā Ṭaḥṣīl Masā’il al-Sharī‘at. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. 1989(1409). 3: 389 & 341 & 390. [In Arabic].
- Bihbahānī, M. Maṣābīḥ al- Zilām. Qum: Allāmiḥ al-Mujaddid. 2003(1424). 4:264. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. Tahdhīb al- Aḥkām Fī Sharḥ al-Muqni‘at. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1986 (1407). 1: 405. [In Arabic]
- Baḥrānī, Y. al- Ḥadā’iq al-Nāzirat. Qum: Nashr Islāmī. 1984(1405). 4: 281. [In Arabic]
- Khoei, SA. Musū‘at al-Khoei. Qum: Iḥyā al- Āthār. 1997(1418). 6:279. [In Arabic]
- Sabziwārī, SAA. Muhazzab al-Aḥkām Fī Bayān Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Qum: minār. 1992(1413). 4: 334. [In Arabic].
- [10]; 6:223 & 224. [In Arabic]
- Ibn Quddāmat, ‘A. al-Mughnī. Cairo: Maktabat al-Qāhirat. 1969(1388). 1:177. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. al-Istibṣār Fī Mā Ikhtalafa Min al-Akhbār. Tehran: Dār al-Kutub. 1970(1390). 1:78. [In Arabic]
- Majlisī, M. al-Akhbār fī Fahm Tahdhīb al-Akhbār. Qum: Maktabat Āyat Allāh al-Mar‘ashī. 1986(1406).3:212. [In Arabic]
- Jazāyirī, N. Kashf al-Asrār fī Sharḥ al-Istibṣār. Qum: Dār al-Kitāb. 1987(1408). 3:13. [In Arabic]
- [34]; 1: 77. [In Arabic]
- [29]; 2: 486. [In Arabic]
- [10]; 1: 22. [In Arabic]
- hakīm, M. Mustamsik al- ‘Urwat al-Wuthqā. Qum: Dār al-Tafsīr. 1996(1416). 4:320. [In Arabic]
- Hillī, H. Muntahā al-Maṭlab Fī Ṭaḥqīq al-Madhhab. Mashhad: Majma‘ al-Buḥūth al-Islāmīyyat. 1991(1412). 3: 122. [In Arabic].
- [28]; 7:434 & 441. [In Arabic]

41. [28]; 10:105. [In Arabic]
42. [10]; 2: 109 & 110. [In Arabic]
43. Muḥafar, M. Uṣūl Fiqh. Qum: Dār al-Fikr. 1954(1373). 1:284 & 285. [In Persian].
44. Khurāsānī, MK. Kifāyat al-Uṣūl. Qum: Nashr al-Islāmī. 2006(1427). 1:195. [In Arabic]
45. Anṣārī, Z. Maṭāriḥ al-'Anẓār. Qum: Āl al-Bayt. 1967(1386). 49. [In Arabic]
46. Nail planting and its ruling. Available from: <https://www.tasvirezendegi.com/%D8%AD%DA%A9%D9%85-%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D9%86%D8%A7%D8%AE%D9%86/>